



خورشید عدالت (ویژه نامه شهادت امام علی علیه السلام)

آنگاه که سیاهی شب، آسمان خاموش کوفه را فرا گرفته بود علی آمد و آخرین اذان سرخ را تا اوج عروج پرواز داد و در محراب محبوب، به نماز ایستاد. لحظه ای بعد، سر بر آستان دوست گذاشت تا خویش را تا ابد، رستگار سازد و زمانه را داغدار خویش نماید. ویژه نامه خورشید عدالت مرهمی است بر سینه های داغدار عاشقان علی.

برگی هایی از صفحات زندگی امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام

تاریخ تولد: سیزدهم ماه رجب، روز جمعه، سی سال پس از تولد رسول خدا صلی الله علیه و آله و عام الفیل، در حدود سال ۶۰۰ میلادی، بیست سال قبل از هجرت.

محل تولد: شهر مکه، در اندرون خانه خدا، یعنی کعبه.

پدر: ابوطالب، عمو و بزرگ ترین حامی رسول الله صلی الله علیه و آله که از سر کیاست و فراست ایمان و اسلام خود را همیشه از کافران و مشرکان پوشیده داشت تا در سال معروف به «عام الحزن / سال اندوه و غم» به جهان باقی شتافت.

مادر: فاطمه بنت اسد، دختر عموی پدر رسول الله صلی الله علیه و آله.

نام ها: علی، حیدر.

کنیه ها: ابوالحسن، ابوتراب، ابوالائمّه، ابوالایتام.

لقب ها و شهرت ها: اسدالله، یدالله، سیف الله، باب الله، ولی الله، وصی رسول الله، عین الله، انسان کامل، عادل، حجّه الله، اول المسلمین، یعسوب الدین، امام المتّقین، اخ الرسول، حیدر کرّار، صاحب ذوالفقار، امام الابرار، مولی، مولی المتّقین، امام العادلین، المخلص لله، امیرالمؤمنین و ده ها لقب و شهرت دیگر.

چشمه سار فضائل

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شهادت تاریخ و اعتراف دوست و دشمن در کمالات انسانی نقیصه ای نداشته و در فضائل اسلامی نمونه کاملی از تربیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.

بحث هایی که در اطراف شخصیت او شده و کتاب هایی که در این باره شیعه و سنی و سایر مطلعین و کنجکاوان نوشته اند، درباره هیچ یک از شخصیت های تاریخ اتفاق نیفتاده است.

علی علیه السلام در علم و دانش داناترین یاران پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر اهل اسلام بود و نخستین کسی است در اسلام که در بیانات علمی خود، در استدلال آزاد و برهان را باز کرد و در معارف الهیه بحث فلسفی نمود و در باطن قرآن سخن گفت و برای نگهداری لفظش دستور زبان عربی را وضع فرمود و تواناترین عرب بود.

علی علیه السلام در شجاعت ضرب المثل بود در آن همه جنگ ها که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از آن شرکت کرد، هرگز ترس و اضطراب از خود نشان نداد و با این که بارها و ضمن حوادثی مانند جنگ احد و جنگ حنین و جنگ خیبر و جنگ خندق، یاران پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله و لشکریان اسلام لرزیدند و یا پراکنده شده فرار نمودند، وی هرگز پشت به دشمن نکرد و هرگز نشد که کسی از ابطال و مردان جنگی با وی درآویزد و جان به سلامت برد و در عین حال با کمال توانایی ناتوانی را نمی کشت و فراری را دنبال نمی کرد و شبیخون نمی زد و آب بر روی دشمن نمی بست. (برگرفته از شیعه در اسلام، علامه طباطبائی(ره))

سیره های نورانی

علی علیه السلام در تقوای دینی و عبادت حق یگانه بود، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ کسانی که نزد وی از تندی علی علیه السلام گله می کردند می فرماید: «علی را سرزنش نکنید، زیرا وی شیفته خداست».

ابودردا صحابی، جسد آن حضرت را در یکی از نخلستان های مدینه دید که مانند چوب خشک افتاده است برای اطلاع به خانه آن حضرت آمد و به همسر گرامی وی که دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، درگذشت همسرش را تسلیت گفت، دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: پسر عم من نمرده است بلکه در عبادت از خوف خدا غش نموده است و این حال برای وی بسیار اتفاق می افتاد.

علی علیه السلام در مهربانی به زیر دستان و دل سوزی به بینوایان و بیچارگان و کرم و سخا به فقرا و مستمندان قصص و حکایات بسیار دارد. آن حضرت هر چه را به دستش می رسید در راه خدا به مستمندان و بیچارگان می داد و خود با سخت ترین و ساده ترین وضعی زندگی می کرد. آن حضرت کشاورزی را دوست می داشت و غالباً به استخراج قنوات و درخت کاری و آباد کردن زمین های بایر می پرداخت ولی از این راه هر ملکی را که آباد می کرد و یا هر قناتی را که بیرون می آورد وقف فقرا می فرمود و اوقاف آن حضرت که به صدقات علی معروف بود در اواخر عهد وی عواید سالیانه قابل توجهی (بیست و چهار هزار دینار طلا) داشت. (برگرفته از شیعه در اسلام، علامه طباطبائی(ره))

تصویرهایی کوتاه از زندگی امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام به سمت کوفه حرکت می کرد که با یک کافر نمی همراه شد. آن مرد به امام علی علیه السلام عرض کرد به کجا می روی؟ حضرت علیه السلام فرمود: به کوفه می روم. وقتی بر سر دو راهی رسیدند و خواستند از یکدیگر جدا شوند امام علی علیه السلام از مسیر خود خارج شد و در مسیر او حرکت کرد. مرد نمی گفت: مگر به کوفه نمی روی؟

امام علی علیه السلام: بله به کوفه می روم. مرد نمی: چرا راه کوفه را رها کردی؟ امام علی علیه السلام: این کمال حسن همراهی است که مرد رفیق راهش را در هنگام جدائی چند قدمی بدرقه کند و این دستوری است که پیامبر صلی الله علیه و آله به ما داده است. مرد نمی: پیامبر شما چنین دستوری داده است؟

امام علی علیه السلام: آری. مرد نمی: پس هر کس از او پیروی کرده است بخاطر همین رفتارهای بزرگوارانه بوده است و من تو را گواه می گیرم که پیرو دین تو باشم. آنگاه همراه امام علی علیه السلام به کوفه رفت و چون او را شناخت اسلام آورد.

غروب خورشید عدالت

جنگ نهروان ضربت سختی بر خوارج وارد کرد که دیگر نتوانستند آن طور که انتظار می رفت جایی برای خود در عالم اسلام باز کنند. مبارزه علی با آنها بهترین سندی بود برای خلفای بعدی که جهاد با اینها را مشروع و لازم جلوه دهند. اما باقیمانده خوارج دست از فعالیت برداشتند:

سه نفر از اینان، در مکه، دور هم جمع شدند و به خیال خود به بررسی اوضاع عالم اسلام پرداختند، چنین نتیجه گرفتند که تمام بدبختیها و بیچارگیهای عالم اسلام زیر سر سه نفر است: علی، معاویه و عمرو بن العاص.

علی همان کسی بود که اینها ابتدا سرباز او بودند. معاویه و عمرو بن العاص هم همانهایی بودند که حيله سیاسی و خدعه نظامیشان موجب تشکیل چنین فرقه خطرناک و بی باکی شده بود.

این سه نفر – که یکی عبد الرحمن بن ملجم بود و دیگری برک بن عبد الله نام داشت و سومی عمرو بن بکر تمیمی – در کعبه با هم پیمان بستند و هم قسم شدند که آن سه نفر را که در راس مسلمین قرار دارند در یک شب یعنی در شب نوزدهم رمضان (با هفدهم رمضان) بکشند. عبد الرحمن نامزد قتل علی و برک مامور قتل معاویه و عمرو بن بکر متعهد کشتن عمرو بن العاص شد. با این پیمان و تصمیم از یکدیگر جدا شدند و هر کدام به طرف حوزه مأموریت خود حرکت کردند.

مرثیه آفتاب

کمر بند عزم را برای مرگ محکم کن

که مرگ به دیدار تو خواهد آمد

و مرگ پریشانت نکند

آن هنگام که به حضورت خواهد رسید

... و این سرود، ترنم سحرگاه تو بود؛ سحرگاه شبی که تنها با سه لقمه، افطار کردی و فرمودی: «دوست دارم گرسنه به دیدار خدا بروم» حکایت غریبی است... غم های جهان به پیشواز دلم آمده اند. طوفانی در راه است. بوی یتیمی در مشام جهان پیچیده است و آسمان، گرفته و غمگین است.

حکایت غریبی است؟ حکایت مسجد، سحر، سجده و سجاده.

و غریب تر، قصه مظلومی است که صبورانه زیست و در آخرین سجده، سرود رهایی سر داد، سرود «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»

آن شب، شب قدر را سحر کرد علی

با شوق وصال، ترک سر کرد علی

با زمزمه «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»

از خاک به افلاک سفر کرد علی

جرعه هایی از زلال سخن مولا

کتابهایی که سخنان آن حضرت را گرد آورده اند:

۱- **نهج البلاغه** که توسط شریف رضی جمع آوری شده و تا کنون چندین بار به چاپ رسیده است.

۲- **مافات نهج البلاغه من کلامه** (سخنان آن حضرت که در نهج البلاغه نیامده است) جمع آوری شده توسط فاضل معاصر شیخ هادی بن شیخ عباس بن شیخ جعفر فقیه نجفی (این کتاب به چاپ رسیده است).

۳- **مائه کلمه** جمع آوری شده توسط جاحظ (مطبوع).

۴- **غرر الحکم و درر الکلم** گردآوری شده توسط عبد الواحد بن محمد بن عبد الواحد آمدی تمیمی. وی این سخنان را از کلمات کوتاه آن حضرت جمع آوری کرده و با نهج البلاغه نزدیک است. انگیزه آمدی در تالیف این کتاب، کاری بود که جاحظ در تالیف مائه کلمه به انجام رسانده بود. (مطبوع)...

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام دیگران

ابی برده سلمی می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که اینچنین حضرت علی(ع) را مخاطب قرار می داد: یا علی؛ خداوند متعال در هفت مورد تو را با من شاهد قرار داد:

۱- شبی که به معراج رفتم جبرئیل به من گفت: برادرت کجاست؟ گفتم: او را وراى خودم جانشین قرار دادم. جبرئیل گفت: خداوند را بخوان پس در هنگام خواندن مثال تو همراه من بود.

در این هنگام دسته ای از ملائکه را دیدم که به صف ایستاده اند! گفتم: ای جبرئیل! اینان کیستند که به صف ایستاده اند؟ گفت: اینان کسانی هستند که روز قیامت به خاطر وجود تو خداوند را مباحثات می کنند.

پس نزدیک آنان شدم و از آنچه بوده و تا روز قیامت خواهد شد با آنان حرف زدم (در حالی که مثال تو همراه من بود)...

بر آستان جانان

صفوان جمال می گوید: با امام صادق (ع) به کوفه رسیدیم؛ امام فرمود: این جا حرم جدم امیرالمؤمنین (ع) است. سپس به سوی آن حرکت کرد و به من فرمود: قدم هایت را کوتاه بردار و سرت را پایین بیاورد؛ زیرا برای هر قدمی، برای تو صد هزار حسنه نوشته می شود و صد هزار کار بد از تو پاک می گردد و صد هزار درجه بالا برده می شود و صد هزار خواستهات برآورده می شود و پاداش هر صدیق و شهید برای تو ثبت می گردد.

در حدیث دیگری، امام صادق (ع) می فرماید: «من زار امیرالمؤمنین ماشیاً، کتب الله له بكل خطوه حجّه و عمره، فإن رجع ماشیاً کتب الله له بكل خطوه حجّتين و عمرتين»

کسی که امیرمؤمنان (ع) را با پای پیاده زیارت کند، خداوند برای هر قدمی یک حج و یک عمره بنویسد؛ پس اگر با پای پیاده هم بازگردد، برای هر قدمی دو حج و دو عمره خواهد نوشت.

سپس به راوی فرمود: این حدیث را با آب طلا بنویس.

در روایت دیگری از امام ششم آمده است که فرمود: هر کس جدم را در حالی که عارف به حق اوست زیارت کند، خداوند برای هر قدمش یک حج مقبول و یک عمره نیکو می‌نویسد، و به خدا قسم قدمی که در زیارت حضرت امیر (ع) غبارآلود شود، سواره باشد یا پیاده، آتش جهنم را نصیب آن قدم نمی‌کند.